

بررسی تحلیلی شخصیت عبیده بن عمرو سلمانی و دلایل رویارویی وی با امام علی (ع) در نبرد صفین

مریم سعیدیان جزئی*

چکیده

این جستار به دنبال آن است تا یک روایت پیوسته از شخصیت عبیده بن عمرو سلمانی و مواضع او در نبرد صفین ارائه نماید. تاکنون پژوهش مستقلی در این زمینه صورت نگرفته و گزارش‌های موجود پراکنده و دارای تعارض است. پژوهش کتابخانه‌ای حاضر به روش مطالعه تاریخی و توصیفی، اسنادی تنظیم شده و گونه‌های منابع فریقین مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج حاصل گویای آن است که دلیل تعارض اخبار، تصحیف و بی‌توجهی نویسندگان نسبت به نظام اجتماعی و قومی عرب و برخی جانب‌داری‌ها بوده است. آنچه روشن است این‌که آراء و اندیشه عبیده و مواضع او در نبرد صفین تحت تأثیر برخی از صحابه و شرایط حاکم بر عراق است. ترجیح عبیده برای جهاد با کفار و جدایی او از امام علی(ع)، در تفرقه سپاه عراق و فرجام نبرد اثر گذاشت و با قراین موجود نمی‌توان او را از رجال شیعه به شمار آورد.

کلیدواژه‌ها: عبیده، علی (ع)، صفین، کوفه، ابن مسعود، اجتهاد

۱. مقدمه

از جمله موضوعات مهم در بررسی‌های تاریخ اسلام، تبیین نقش و جایگاه نخبگان در دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی است. از سویی بررسی نقش نخبگان بدون ملاحظه در

* مریم سعیدیان جزئی، دکترای تاریخ اسلام، دانشیار دانشگاه اصفهان، msaeedyan@itr.ui.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۸

مباحث مهم و بنیادی تاریخ اندیشه‌ها و آراء مقدور نیست. در این پژوهش نسبت میان یکی از این شخصیت‌ها با نبرد صفین - که در تاریخ اسلام از اهمیت به سزایی برخوردار است - بررسی می‌شود. با توجه به آنکه تاکنون پژوهشی درخور توجه درباره شخصیت و آراء عبیده صورت نگرفته، اهمیت این تحقیق دوچندان خواهد بود. فایده تحقیق از آن جهت است که با ارزیابی تاریخ اندیشه و میزان همبستگی آن با تحولات تاریخی، بخشی از مسائل مهم در این دوران پاسخ داده خواهد شد.

عبیده از تابعان، دانشمندان، اشراف قبیله‌ای، بزرگان کوفه و از جمله متفکران اندیشه دینی در قرن نخست هجری است و به دلیل اتخاذ مواضع و دیدگاه‌های خاص مورد توجه قرار گرفته است. با این حال منابع اسلامی اطلاعات پراکنده و ضد و نقیضی درباره او ارائه می‌دهند و نتوانسته‌اند توصیف مناسبی از شخصیت عبیده و آراء و مواضع سیاسی و اجتماعی او بدهند.

درباره این موضوع پرسش‌های متعددی مطرح است؛ مانند اینکه دلیل تعارض اخبار و گزارش‌های موجود پیرامون عبیده چیست؟ چرا عبیده از نبرد با معاویه و همراهی با علی (ع) خودداری کرد؟ پیامدهای فردی و اجتماعی مواضع و ایستارهای او چیست؟ تا چه حد عملکرد سیاسی و اجتماعی عبیده با گرایشهای عقیدتی و آراء او سازگار و هسمو است؟

این پژوهش بر آن است تا با تبیین و توصیف شخصیت عبیده و ارزیابی چگونگی و چرایی حضور وی در تحولات تاریخی به پاسخ‌های مناسبی دست یابد. بر اساس این تحقیق می‌توان گفت جهت‌گیری عبیده نسبت به تحولات اجتماعی و رویارویی او با علی (ع) در نبرد صفین بر اساس اصل اجتهاد به رأی و تبعیت از برخی صحابه بود. در عین حال بخشی از این مواضع تحت تأثیر بافت فرهنگی و اجتماعی کوفه، خاستگاه قبیله‌ای و مناسبات عبیده با دستگاه خلافت است. او با بهره‌گیری از ظرفیت ریاست قبیله‌ای و ارتباط با صحابه و جریان نو و شرایط فرهنگی و اجتماعی عراق، در تحولات تاریخی معاصر خود سهمی مؤثر ایفا کرد.

تحقیقات و پژوهش‌های انجام‌شده به‌طور مستقل به این موضوع نپرداخته و اخبار ضد و نقیضی درباره عبیده می‌دهند. در بیشتر منابع اسلامی مواضع اجتماعی و سیاسی عبیده تحت شعاع آراء فقهی و حدیثی وی قرار گرفته است. منابع اهل سنت گرایش فقهی و حدیثی عبیده را همسو با اهل سنت می‌دانند (ذهبی، ۱۴۲۷: ۸/۵-۹؛ ابن‌ماکولا، ۱۴۱۱: ۶/۴۸)

و برخی متون شیعی او را به عنوان شیعه معرفی می کنند (طوسی، ۱۴۱۵: ۴۷؛ برقی، ۱۳۴۲: ۴).

پژوهش های اخیر در ذیل خلافت امام علی (ع) و بررسی ادوار فقه اشاراتی به شخصیت عبیده داشته اند. بنا به نظر جناتی عبیده از مجتهدان مشهور نزد اهل سنت و جایگاهش همسسان با عمار بن یاسر است (جناتی، ۱۳۷۲: ۱۲۹/۱). معرفت، جایگاه عبیده را در دانش فقه و نزد معاصرانش مهم و مؤثر می داند (معرفت، ۱۳۷۹: ۳۷۴/۱). تحقیق مفتخری به معرفی قراء پرداخته و فاقد رویکرد جریان شناسی است (مفتخری، ۱۳۸۰: شماره ۲۲). شهابی به ارائه روایات متناقضی درباره عبیده اکتفا نموده است (شهابی، ۱۳۸۷: ۵۱۹/۳-۵۱۶). نظارتی زاده و جدیدی (۱۳۹۶) عبیده را در زمره قاعدین آوردند. موسوعه الامام علی (ع) به اشتباه مواضع عبیده در نبرد صفین را نفی و به نظر متون شیعه بسنده کرده است (محمدی، ۱۳۷۹: ۳۸۶/۱۳). بیات و دیگران، گفتگوی علی (ع) با عبیده را دلیل بر تأیید او از جانب امام می دانند (بیات و دیگران، ۱۳۸۰: ۷۶/۲).

تحقیق پیش رو، از پژوهش های پیشین فراتر رفته و با ارزیابی اخبار و گزارش های پیرامون عبیده و ارائه یک روایت پیوسته درباره این شخصیت، به دلایل و زمینه های مؤثر در جهت گیری های عبیده در نبرد صفین، ابعاد مشارکت وی در حوادث مختلف و پیامدهای آن می پردازد. روش تحقیق، جمع آوری اطلاعات به صورت اسنادی و کتابخانه ای است که با شیوه توصیفی و تحلیل تاریخی، با استناد به منابع اصلی در حوزه های مختلف و ارزیابی گزارش های موجود در این زمینه انجام می گیرد. بر این اساس محورهای اصلی درباره عبیده عبارتند از: خاستگاه و موقعیت قومی، شخصیت و اندیشه، سوابق مشارکت در امور سیاسی و اداری و ملاحظات، حضور در نبرد صفین و کناره گیری از امام علی (ع) و در نهایت ارزیابی اخبار مربوط به گرایش های عقیدتی وی.

۲. خاستگاه و روحيات عبیده و رفع تعارض اخبار

در منابع تاریخی و رجالی به صورت های مختلف درباره نام و نسب عبیده سخن گفته اند. این اقوال را می توان در ۴ دسته جای داد:

۱- اختلاف درباره نام: خطیب بغداد عبیده و عباده هر دو را آورده است (خطیب، ۱۴۱۷: ۱۱۹/۱). با توجه به واحد بودن این خبر و اجماع منابع دیگر درباره نام عبیده؛ باید نام «عبیده» را صحیح و معتبر دانست.

۲- اختلاف درباره پدر: عمرو (بخاری، ۱۳۸۴: ۴۴۰/۵؛ ۸۲/۶؛ خلیفه، ۱۴۱۴: ۲۴۶؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۷۰؛ خطیب، ۱۹۸۵: ۱۳۶/۱-۱۳۷)، قیس (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۵۲/۶؛ یعقوبی، [بی تا]: ۲۴۰/۲) و عمرو بن قیس بن عمرو (مزی، ۱۴۰۰: ۲۶۵-۲۶۸) از جمله نام‌هایی است که برای پدر عبیده آمده است. عموم منابع اسلامی عبیده بن عمرو را ترجیح داده‌اند. ابن اثیر، و دیگران دو قول نخست را می‌پذیرند؛ بدون آنکه یکی را بر دیگری ترجیح دهند (ابن اثیر، الف [بی تا]: ۴۴۸/۳؛ خطیب، ۱۴۱۷: ۱۱۹/۱۱ و ۴۲۲/۱۲، سمعانی، ۱۴۰۸: ۱۷۶/۷؛ نووی، [بی تا]: ۳۱۷/۱).

۳- اختلاف درباره نسب: ابن حبان، ابواسحاق و خطیب نسب عبیده را از بنی همدان دانسته (ابن حبان، ۱۴۱۱: ۱۶۰/۱؛ ابواسحاق، ۱۹۷۰: ۸۰/۱؛ خطیب، ۱۴۱۷: ۱۱۹/۱۱ و ۴۲۲/۱۲) و سجستانی، بخاری و دارقطنی احتمال حضرمی (رافعی، [بی تا]: ۱۱۹/۱) یا انتساب او به بنی کلاب را می‌دهند (بخاری، ۱۳۸۴: ۴۴۰/۵؛ دارقطنی، ب ۱۴۰۶: ۱۵۰۸/۳-۱۵۰۷). در میان منابع انساب، ابن اثیر تنها کسی است که درباره اشتراکات اسمی طایفه سلمان در سه قبیله دیگر توضیح می‌دهد (ابن اثیر، ب [بی تا]: ۱۲۷/۲). همو در کتاب الکامل درباره نسب عبیده غفلت کرده و وی را از بنی کلاب می‌داند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲۵۹/۳). با بررسی موارد تصحیف، رفع اختلاف موارد پیش گفته و متشابهاتی که درباره اسامی وجود دارد؛ نیز اعتبار اخبار انتساب عبیده بن عمرو به قبیله مراد (ابن کلبی، [بی تا]: ۲۶۲ و ۲۴۵) و تحقیقات انجام شده درباره قبیله مراد (محمود آبادی و سعیدیان، ۱۳۹۰ش) اثبات می‌شود؛ عبیده منسوب به قبیله بنی مراد مذحج است. نام سلمان در بین برخی قبایل دیگر مانند همدان، تمیم و مذحج مشترک است (ابن اثیر، ب [بی تا]: ۱۲۷/۲)؛ اما تصریح منابع بر آوردن نسبت مرادی برای عبیده و عدم اشتراک قبیله مراد در دو قبیله دیگر ما را به این نتیجه می‌رساند که وی منسوب به قبیله مراد مذحج است. بر این اساس نسب قبیله‌ای عبیده عبارت است از: بنی سلمان (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۵۲/۶؛ ابونصر بخاری، ۱۴۰۷: ۵۰۵/۲-۵۰۴) بن یشکر (ابن اثیر، ب [بی تا]: ۱۲۷/۲) بن ناجیه بن مراد (ابو عبیده، ۱۴۱۰: ۳۲۴؛ همدانی، ۱۴۰۸: ۵۵-۵۶؛ خلیفه، ۱۳۶۹: ۴۶؛ ابن حجر، [بی تا]: ۷۳/۲) و منسوب به قبیله مذحج (خلیفه، ۱۴۱۴: ۱۲۵)!

۴- اختلاف درباره همسانی عبیده با دیگران: بخاری (دارقطنی، الف ۱۴۰۶) و سجستانی عبیده بن عمرو را به ترتیب با عبیده بن حمید حذاء و عبیده بن سفیان حضرمی یکی گرفته‌اند (سجستانی، ۱۴۰۳). بخاری نام عبیده بن عمرو سلمانی را آورده، ولی با گزارشی که

درباره دو عبیده دیگر می‌دهد؛ یکی است (بخاری، ۱۳۸۴: ۸۲/۱). ابونصر بخاری و رافعی به درستی عبیده بن عمرو و عبیده بن حمید را از هم تفکیک و دو نفر می‌دانند (ابونصر بخاری، ۱۴۰۷: ۵۰۴/۲-۵۰۵؛ رافعی، [بی‌تا]: ۱۱۹/۱).

با بررسی بیشتر معلوم می‌گردد اینها سه نفر هستند. خطیب به درستی عبیده بن عمرو کلابی و عبیده بن عمرو سلمانی را دو نفر می‌داند (خطیب، ۱۹۸۵: ۱/۱۳۶-۱۳۷). بنابراین خبر بخاری درباره کلابی (بخاری، ۱۳۸۴: ۴۴۰/۵) یا سلمانی بودن عبیده (همان: ۸۳/۶؛ دارقطنی، الف ۱۴۰۶: ۱/۲۵۷) صحیح نیست؛ چراکه عبیده کلابی از صحابه (خلیفه، ۱۴۱۴: ۱۱۵؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۵: ۱۰۱۸/۳) و عبیده سلمانی از تابعان است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵: ۱۰۲۳/۳).

عبیده^۲ بن عمرو سلمانی مرادی مکنی به ابومسلم، ابو عمرو (خلیفه، ۱۴۱۴: ۲۴۶) و «ابن عون» (بخاری، ۱۳۸۴: ۸۳/۶)، از مخضرمین است (ابن الجزری، ۱۳۵۱: ۱/۴۹۸). عجللی با تعبیر جاهلی از او یاد می‌کند (مزی، ۱۴۰۰: ۲۶۵-۲۶۸). در صدر اسلام، همراه با خویشاوندانش در یمن سکونت داشت (زبیدی، [بی‌تا]: ۳۷۰/۳؛ حجری ۱۴۱۶: ۲/۲۹۱-۲۹۷). در زمان حیات رسول الله (ص) اسلام آورد. به نوشته بخاری (بخاری، ۱۳۸۴: ۸۳/۶)، ابن حبان (ابن حبان، ۱۴۱۱: ۱/۱۶۰) و ابن ابی داوود، دو سال قبل از وفات رسول الله (ص) نماز خواند (نووی، [بی‌تا]: ۳۱۷/۱). ظاهراً این تعبیر معادل اسلام پذیری است؛ چنانکه برخی تعبیر «اسلمت» و «اسلم» را نیز آورده‌اند (ابن ابی خثیمه، ۲۰۰۶: ۱/۴۲۰؛ زبیدی، [بی‌تا]: ۳۸۳-۳۲۳؛ ابن اثیر، الف [بی‌تا]: ۴۴۸/۳). ذهبی اسلام آوردن عبیده را همزمان با فتح مکه می‌داند (ذهبی، ۱۴۲۷: ۷/۵؛ ذهبی ۱۴۱۴: ۲۸۶/۵-۲۸۷). او و ابونصر بخاری به درستی بر اسلام آوردن عبیده در یمن تأکید می‌کنند (ابونصر بخاری، ۱۴۰۷: ۲/۵۰۴-۵۰۵؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۴۰/۱-۴۱). این گزارش اگرچه در منابع متقدم و سیره نیامده؛ اما با قراین دیگر مطابقت دارد. چرا که ابن هشام در وفد مراد (۹ ق) از عبیده نامی نبرده (ابن هشام، ۱۳۵۵: ۱۰۴/۴) و ابن سعد از آمدن وی به مدینه در زمان خلیفه دوم خبر می‌دهد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۵۲/۶). باید گفت عبیده از طریق فرستادگان و نمایندگان رسول الله (ص) در یمن با اسلام آشنا شد. از این رو اسلام پذیری وی پیش از وفد مراد و انتصاب فروه بن مُسَیک مرادی بر امور قبایل مراد و ژبید است (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۲/ص ۱۱۸؛ یعقوبی، [بی‌تا]: ۲۵۱/۱).

این اخبار نشان می‌دهد که عبیده صحابی نیست؛ اما در عین حال برخی اخبار درباره صحابی یا تابعی بودن عبیده اختلاف دارد. بخاری با تعبیر «لَهُ صُحْبَهُ» از عبیده یاد کرده و

دو روایت را از طریق سعید بن خثیم (بخاری، ۱۳۸۴: ۴۴۰/۵) و هشام باواسطه از عبیده نقل می‌کند که گویا بیانگر ملاقاتش با پیامبر (ص) است (همان: ۴۴۰/۵ و ۸۳/۶). ذهبی با تردید او را از صحابه می‌داند (ذهبی، ۱۴۱۳: ۴۱/۱-۴۰). به جز این دیگران، عبیده را در زمره صحابه نیآورده (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵: ۲۳/۳؛ نووی، [بی‌تا]: ۳۱۷/۱؛ ابن حبان، ۱۴۱۱: ۱۶۰/۱) و از تابعان می‌دانند (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۸/۳۶۲-۳۶۱؛ نووی، [بی‌تا]: ۳۱۷/۱).

عبیده در زمان خلیفه دوم از یمن به عراق آمد و همراه با گروهی از خویشاوندانش در کوفه ساکن شد (ذهبی، ۱۴۱۴: ۴۸۳/۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۷۶/۷-۱۷۷). درباره مشارکت او در فتوح نخستین، به ویژه فتوح عراق خبری گزارش نشده است.

مسئولیت تقسیم عطایا و مستمری کوفیان در دوران عمر، اداره بادقلا (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۷۷/۲-۱۷۶) و مشارکت در امور نظامی و انتظامی در دوران حکومت امام علی (ع) از فعالیت‌هایی است که منابع برای عبیده آورده‌اند (شیخ مفید [بی‌تا]: ۲۰۳) (در ادامه توضیح داده می‌شود). او بعد از این در تحولات سیاسی و نظامی عراق؛ مشارکتی نکرد و چه بسا با آنها مخالفت می‌کرد (ذهبی، ۱۴۲۷: ۸/۵-۹) و از فقیهان و قاضبان کوفه دوران اموی به شمار می‌رفت (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۹۰/۶؛ یعقوبی، [بی‌تا]: ۲۴۰/۲ و ۲۸۲).

درباره سال وفات عبیده اختلاف است. خلیفه بن خیاط ضمن ترجیح وفات عبیده در سال ۷۲ خبر دیگری را نقل می‌کند که بر اساس آن مرگ وی همزمان با دولت مختار است (خلیفه، ۱۴۱۴: ۲۴۶). هیچ شهادتی برای قبول خبر دوم وجود ندارد (مزی، ۱۴۰۰: ۲۶۵-۲۶۸). تنها قرینه، گزارشی است که ابن سعد درباره وصیت عبیده نقل می‌کند که همزمان با قیام مختار است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۵۴/۶؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ۹/۵). ابن حبان هم سال وفاتش را ۶۴ نقل می‌کند که با روایت دوم خلیفه همسو است (ابن حبان، ۱۴۱۱: ۱۶۰/۱). مرحوم خوئی دیدگاه ابن حجر درباره سال وفات عبیده یعنی ۷۲ و بعد از آن را رد و بر این عقیده است که وی قبل از سال ۷۰ وفات کرد. اما دلیل ترجیح را بیان نمی‌کند (خوئی، ۱۳۶۹: ۱۰۴/۱۲).

اقوال دیگر عبارتند از: ۷۲ق (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۵۴/۶؛ یعقوبی، [بی‌تا]: ۲۴۰/۲ و ۲۸۲؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ۹/۵؛ ذهبی، ۱۴۱۴: ۲۸۷-۲۸۶/۵؛ ابن اثیر، ب [بی‌تا]: ۱۲۷/۲)، ۷۳ق (مزی، ۱۴۰۰: ۲۶۵-۲۶۸؛ نووی، [بی‌تا]: ۳۱۷/۱) و ۷۴ق (از قول ابن ابی شیبه رک، به مزی، ۱۴۰۰: ۲۶۵-۲۶۸؛ ابونصر بخاری، ۱۴۰۷: ۵۰۴/۲-۵۰۵). قول صحیح آن است که عبیده چنانکه یعقوبی و ذهبی تصریح می‌کنند در سال ۷۲ق از دنیا رفت. دلیل ترجیح این تاریخ آن است

که اقوال دیگر قرینه‌ای یا شاهدهی بر ادعای خود نیاورده و یا دچار اشتباه درباره دو شخصیت شده‌اند. از سویی به استناد یعقوبی عبیده تا دوران عبدالملک بر منصب قضاوت بود (یعقوبی، [بی تا]: ۲/ ۲۴۰ و ۲۸۲).

۳. موقعیت اجتماعی و علمی و آراء عبیده

عبیده ریاست قبیله مراد کوفه (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۱۷۶/۷-۱۷۷) و مسئولیت امام جماعت کوفیان را بر عهده داشت (همان: ۱۵۳). سوابق مشارکت عبیده در عرصه‌های مختلف بیانگر منزلت و اعتبار وی نزد کوفیان است (ذهبی، ۱۴۲۷: ۸/۵).

جایگاه عبیده در منابع عامه مشهور و قابل اعتماد است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۹۰/۶ و ۱۴۲: سخاوی، [بی تا]: ۲۹۵؛ مقدسی، ۱۴۱۱: ۵۸۲/۲). مزی با تعبیر «روی له الجماعه» از او یاد می‌کند (مزی، ۱۴۰۰: ۲۶۵-۲۶۸). منابع حدیثی شیعه هم اخبار مهمی در این زمینه نقل کردند (برای نمونه ر.ک: طوسی، ۱۴۱۵: ۴۷؛ برقی، ۱۳۴۲: ۴). بیشترین اخبار مربوط به بهره مندی عبیده از دانش فقه و افتاء است (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۵۳/۸۹-۹۰). عبیده در زمره رجال تابعان و در فقه همسان با شریح بن حارث کندی بود (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۶۱/۸-۳۶۲؛ یعقوبی، [بی تا]: ۲/ ۲۴۰ و ۲۸۲). در بیان احکام بیشترین قرابت و همسویی را با آراء عمر بن خطاب و عبدالله بن مسعود داشت (ابن ماکولا، ۱۴۱۱: ۴۸/۶) و در مواردی قائل به جمع میان این دو بود (ابن حزم، بی تا: ۷۹۷/۶).^۳ قلیل الحدیث بود و هر جا حدیث نمی‌گفت (ابن حجر؛ ۱۴۱۵: ۶۰/۱-۵۹؛ مزی، ۱۴۰۰: ۲۶۵-۲۶۸).^۴ ابونصر بخاری، او را اهل ثقه و دارای قول محکم و درست میدانند (ابونصر بخاری، ۱۴۰۷: ۵۰۵/۲-۵۰۴). سجستانی احادیث عبیده را «صحیح» (سجستانی، ۱۴۰۳: ۱۱۸/۱-۱۱۹) و ترمذی با تعبیر «حسن صحیح» می‌آورد (ترمذی، ۱۹۹۸: ۲۹۳/۴؛ ۶۸/۵ و). بخاری عبیده را به خاطر نقل از صحابه و تابعان مورد اعتماد می‌داند (دارقطنی، الف ۱۴۰۶: ۱۸۰/۲). او به ترتیب از عمر بن خطاب، عبدالله بن مسعود (ترمذی، ۱۴۱۳: ۱۳۸/۱)، علی (ع) (بخاری، ۱۳۸۴: ۸۳/۶) و ابن‌زبیر نقل می‌کند (نووی، [بی تا]: ۳۱۷/۱).^۵

در علم قرائت معروف و به عنوان یکی از قراء شناخته می‌شود (ابن‌بازش، ۴۳/۱). آن را از عبدالله بن مسعود و علی (ع) فراگرفت و بر ابراهیم نخعی و ابواسحاق سبعی عرضه کرد (ابن‌الجزری، ۱۳۵۱: ۴۹۸/۱). جایگاه عبیده در علم سبب النزول هم شناخته شده است. به اعتقاد او سبب نزول و فهم قرآن از طریق روایت و سماع (شنیدن) شناخته می‌شود.

اظهار نظر درباره قرآن را جایز نمی‌دانست (ابن حجر، الف [بی‌تا]: ۲۰۰/۱-۲۰۱؛ فاضل، ۱۳۸۹: ۶/۱-۸) و به این حدیث رسول‌الله (ص) استناد می‌کرد که فرمود: «من فسر القرآن برأیه فأصاب الحق فقد أخطأ» (فاضل، ۱۳۸۹: ۶/۱-۸). وقتی کسی درباره آیه‌ای از قرآن پرسید؛ گفت: «عَلَيْكَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَالسَّدَادِ فَقَدْ ذَهَبَ الَّذِينَ كَانُوا يَعْلَمُونَ فِيمَا أَنْزَلَ الْقُرْآنَ» (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۵۳/۶). ابن حجر این نظر را مطابق رأی فقهای مدینه می‌داند (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۵۹/۱).

عبیده مطابق روش اصحاب ابن مسعود و دیگر محافل علمی در مسجد تدریس می‌کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۲۰/۶-۲۲۶) و کتاب‌هایی داشت که نام و موضوع آنها مشخص نیست؛ اما چون می‌ترسید کتاب‌هایش تحریف و درست بکار گرفته نشود، آنها را از بین برد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۵۳/۶؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ۸/۵-۹).

در قضاوت از منزلت و اعتبار برخوردار بود و چنانکه اربلی آورده، پس از شریح بن حارث کندی بر مقام قضاوت کوفه منصوب شد (اربلی، ۱۴۲۱: ۱۴۷/۱) و در دوران امویان قضاوت بصره (ابن بادش، [بی‌تا]: ۴۳/۱) و کوفه را بر عهده داشت (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۷۶۷-۱۷۷). شعبی، عبیده را در قضاوت همسان با شریح (ذهبی، ۱۴۲۷: ۸/۵) و سفیان بن عیینه این همانندی را در علم و قضاوت (العینی، ۱۴۲۷: ۲۹۵/۲-۲۹۴) و به قولی دینداری می‌داند (مزی، ۱۴۰۰: ۲۶۵-۲۶۸).

عبیده یکی از ۵ نفر از خواص اصحاب و شاگردان عبدالله بن مسعود هذلی است^۶ (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۹۶/۶) و به آراء و سلوک علمی و عملی او تعلق شدیدی داشت (مقدسی، [بی‌تا]: ۵۸۲/۲). تبیین برخی از اصول فکری اصحاب ابن مسعود هم به دلیل تبیین چارچوب اندیشه عبیده و هم ارتباط آن با مواضع عبیده و کناره‌گیری در صفین ضروری به نظر می‌رسد.

منابع از یاران و هواداران ابن مسعود با عنوان «اصحاب ابن مسعود» یاد می‌کنند^۷ (ابن قتیبه، ۱۹۹۲: ۴۲۰). ۶۰ نفر از تابعان و مشاهیر کوفه در این محفل فعالیت می‌کردند که عبیده، یکی از آنان به شمار می‌رفت (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۹۰/۶). این حلقه نقش مهمی در شرح و نشر آراء ابن مسعود داشت (ابن حزم، [بی‌تا]: ۷۲/۵-۶۷۱) و در علوم گوناگون دینی فعالیت می‌کرد. بیش‌ترین همسویی را با آراء بصریان (المبرد، ۱۴۲۰: ۲۶/۱-۳۰) و محافل مدینه داشت و به خاطر صبغه فقهی اش محل توجه بود (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۱۳۳/۱؛ ذهبی، ۱۴۱۴: ۴۸۳/۵).

برخی از اهم آراء ابن مسعود که مصادیق آن در اندیشه و مواضع عبیده نمایان است؛ عبارتند از: اعتبار و حجیت آراء شیخین در صدور حکم (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۸۳-۱۱۹؛ مقدسی، ۱۴۱۱: ۴۴۳/۱)؛^۸ تأکید بر صدور رأی^۹ با استفاده از قیاس و حدس (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۶۰/۱-۵۹؛ ابن حزم، [بی تا]: ۲۵۷/۸)؛^{۱۰} قرائت قرآن (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵۶/۲-۲۵۷)، پرهیز از تفسیر قرآن (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۱۶/۳؛ ابن حزم، [بی تا]: ۸۲۹/۶) و احتیاط در بیان حدیث (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۱۰۹/۶-۱۰۵).

۴. مناسبات سیاسی و مواضع عبیده در دستگاه خلافت

اندیشه و آراء اصحاب ابن مسعود همسو با مکتب خلافت بود و به ویژه آراء خلیفه دوم را معیار صحت اندیشه خود می دانستند (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۵۷/۱؛ ابن حزم، [بی تا]: ۸۴۷/۶). این امر با توجه به جایگاه ابن مسعود نزد خلفا (ابن شیبّه، ۱۴۱۰: ۶۶۱/۲)، زمینه مشارکت فعال عبیده را در عرصه سیاسی و اجتماعی فراهم آورد.

نخستین خبر درباره مشارکت عبیده در امور سیاسی و اداری مربوط به تقسیم عطایا و مستمری کوفیان است (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۷۶۷-۱۷۷). با مطابقت این خبر با گاهشمار تاریخ اسلام روشن می گردد، در سال ۲۱-۲۲ هجری عمار بن یاسر بر امارت کوفه گماشته و مسئولیت امور بیت المال و به قولی قضاوت و تعلیم دین به ابن مسعود سپرده شد (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵: ۸۴؛ بلاذری، ۱۹۸۸: ۵۵۱/۳). عمر کوفیان را به سوی ابن مسعود فرا خواند و بر جایگاه و مرجعیت وی تأکید نمود (ابن حزم، بی تا: ۶۷۲/۵-۶۷۱).^{۱۱} براساس گزارش ابن سعد می توان دریافت عبیده تحت نظر ابن مسعود و مطابق رأی او عمل می کرد و در مواردی قائل به جمع میان رأی وی و عمر بوده است (ابن حزم، [بی تا]: ۷۹۷/۶). ابن سیرین نقل می کند زمانی یک درهم اضافه آمد. قرعه گرفتند، هیچ کس مطالبه نکرد. عبیده دستور داد با آن چیزی بخرند و بین همگان تقسیم کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۵۲/۶).

یکی دیگر از عرصه های مشارکت سیاسی عبیده مربوط به دوران خلافت امام علی (ع) است. عبیده هم زمان با آغاز خلافت امام علی (ع) ریاست قبیله بنی مراد را در کوفه برعهده داشت (منقری، ۱۳۸۲: ۴۲۴) و مواضع وی درباره خلافت امام علی (ع) چونان سایر مشاهیر عراق و اشراف قبایل در راستای مصالح قومی و قبیله ای و منافع عمومی بوده است (منقری، ۱۳۸۲: ۴۷-۴۳). درباره دلایل بکارگیری عبیده گزارش نشده؛ اما با توجه به شیوه حکمرانی امام علی (ع) - که مبتنی بر اصل حکمت، عقلانیت و عدالت و مشارکت عمومی است -

تمایل کوفیان به امام علی (ع) و اتفاق مهاجران و انصار و اکابر صحابه و اشراف قبایل عرب و تابعان درباره خلافت آن حضرت (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۴۶۳/۲)؛ می‌توان گفت امام از قابلیت و شایستگی عبیده بهره برد.

گزارش‌های بلاذری درباره موقعیت عبیده در دوران خلافت علی (ع) دقیقتر از دیگران است. به استناد این خبر، او برای مدتی کارگزار بادقلا بود (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۷۷/۲-۱۷۶). شیخ مفید مسئولیت عبیده را در این منطقه محدود به امور انتظامی نموده (شیخ مفید [بی‌تا]: ۲۰۳) که درست به نظر می‌رسد. چرا که حوزه جغرافیایی فرات وسیع است و بخش‌های مختلف آن توسط دیگر کارگزاران آن حضرت اداره می‌شد. فهرست کارگزاران امام بیانگر آن است که عبیده، پیش از نبرد صفین، عهده دار این مسئولیت بوده است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۷۵/۲-۱۷۸).

درباره انتصاب عبیده بر قزوین تنها خبر مربوط به مؤلف کتاب اخبار قزوین است. او بدون آنکه درباره زمان و علت حضور عبیده در قزوین خبری بدهد؛ عبیده را یکی از ۴ کارگزار علی (ع) در قزوین معرفی می‌کند (رافعی، [بی‌تا]: ۱۱۹/۱). آنچه پذیرش این خبر را با تردید مواجه می‌سازد؛ عدم نقل آن در منابع مهم و متقدم اسلامی است. همچنین نام عبیده در فهرست کارگزاران امام علی (ع) در قزوین نیست (مفید، ۱۹۶۰: ۱۳۸/۲). بر این اساس خبر رافعی قابل پذیرش نیست.

عبیده همراه با سپاه عراق عازم صفین شد؛ اما از همان آغاز کناره‌گیری کرد. این موضوع هم به جهت تبیین و ارزیابی دلایل کناره‌گیری و تحلیل آراء و مواضع عبیده و هم آثار و پیامدهایی که در سپاه عراق و فرجام نبرد داشت؛ در ادامه به طور مستقل بیان می‌شود.

مسلم، سجستانی (نوی، [بی‌تا]: ۳۱۷/۱) و دیگران قرآینی را آوردند که گویا عبیده در نهروان هم حضور داشته است (خطیب، ۱۴۱۷: ۴۲۲/۱۲). مثلاً نقل اخباری توسط عبیده درباره سرنوشت خوارج (اربلی، ۱۴۱۱-۱۴۲)، حدیث رسول‌الله (ص) درباره ذوالثدیة (ذهبی ۱۴۲۷: ۹/۵) و روایت خطبه امام علی (ع) در این نبرد (بحرانی، ۱۴۱۳: ۱۵۲/۲-۱۵۳). این اقوال دلایل کافی برای تأیید همراهی عبیده با علی (ع) نیست؛ اما می‌توان پذیرفت که در این صورت او همانند سایر سپاهیان در این نبرد حضور داشته است.

۵. مواضع عبیده در نبرد صفین و ارزیابی دلایل کناره‌گیری او از امام علی (ع)

به نوشته ابن‌سعد، عبیده همراه با گروهی از هواداران ابن‌مسعود و ۴۰۰ نفر از قراء کوفه عازم صفین شد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۲۱۹/۶-۲۲۸؛ ذهبی ۱۴۱۴، ۱۱۵/۵).^{۱۲} مهمترین گزارش تاریخی، درباره موقعیت عبیده در این نبرد مربوط به کتاب وقعه صفین است. حتی از گزارش منقری هم مشخص نیست عهده دار چه مسئولیتی بود؛ مگر آنکه مطابق همین خبر بپذیریم عبیده ریاست بنی‌مراد را در صفین بر عهده داشت (منقری، ۱۳۸۲: ۵۱۲). رجال مرادی از نام آوران سپاه کوفه بودند و برخی از آنها نخستین افرادی بودند که شعار لاحکم الله سر دادند (منقری، ۱۳۸۲: ۴۲۴).

آنچه در دریافت زمینه‌های مؤثر در جهت‌گیری عبیده به ما یاری می‌رساند؛ گفتگوهایی است که در ابتدای نبرد و در دو بخش با علی (ع) صورت گرفت. در بخش نخست، عبیده خطاب به امام عرضه داشت:

ما با شما می‌آییم ولی در میان لشکر حاضر نمی‌شویم و کاری نمی‌کنیم تا اینکه به عاقبت شما و شامیان بنگریم پس اگر دیدیم مسئله حل نشد یا یکی از دو طرف جنگ را شروع کرد علیه او خواهیم بود (منقری، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

بخش دیگری از مواضع این گروه در مواجهه ربیع بن خثیم ثوری با علی (ع) قابل دریافت است. او خطاب به علی (ع) گفت: «ما در ارتباط با شناخت خود نسبت به برتری تو در این جنگ دچار تردید شدیم. ما را به تو و هیچ‌کدام از کسانی که می‌جنگند؛ نیازی نیست، پس ما را به مرزها بفرست» (همان: ۵۱۲).

از قرینه بخش دوم کلام امام خطاب به ربیع بن خثیم دریافت می‌شود؛ آن حضرت این گروه را مورد عتاب قرار داد و فرمود: «آفرین و تحسین باد بر شما این همان درک دین و شناخت نسبت به سنت است که هر کس آن را قبول نداشته باشد، ستمکار و خائن است» (همان). سخن امام بیانگر آن است که آنان خود را داناتر از امام می‌دانستند و بر آن بودند تا آن حضرت را از جنگ منصرف کنند. انتظار امام از این گروه که مدعی تفقه در دین بودند؛ این بود که موقعیت خود را درک و برای دفاع از شریعت و سنت پایداری نمایند؛ اما فریاد آنان حکایت از سطحی‌نگری و مهجورت قرآن و سنت در بینشان دارد. بخش دوم کلام امام عمق این فاجعه را بیشتر نمایان می‌سازد. چراکه اینان بر اساس درک خود درجه ایمان دیگران را تعیین و درباره آنها رأی صادر می‌کردند.

مفهوم اصلی این کلام عبارت است از: استخراج قواعد فقهی و تبیین احکام دینی مطابق استنباط فردی یا تبعیت از آراء دیگران. با این بیان نمی‌توان پذیرفت آنها باور به تفضیل آن حضرت داشتند. مسئله اجتهاد به رأی چنانکه پیش از این آمد؛ از جمله شاخصه‌های اصحاب ابن مسعود بود. آنها باور داشتند که آراء و نظراتشان از پشتوانه شریعت و جواز صحابه برخوردار است. افزون بر این گسترش رویکرد اجتهاد قیاسی در میان تابعان همراه با عوامل دیگری چون تعامل آنها با برخی صحابه به ویژه ابن مسعود (ابن حزم، [بی‌تا]: ۲۵۷/۸) در نیرومند ساختن صبغه فقهی این گروه نقش داشت (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۵۹/۱).

امام خلیفه مسلمانان بود و حقانیت و مشروعیت آن حضرت بر اساس اصل بیعت عمومی مسلم بود. علی (ع) در نبرد جمل بر ناکتین فائق آمد؟ چگونه است که این گروه درباره امام و پیروزی او تردید دارند؟ مگر آنکه توطئه‌ای شوم در کمین سپاه عراق است. چگونه است که آنها مصالح عالیه جامعه اسلامی را بهتر از بقیه می‌شناسند و خود را بی‌نیاز از اطاعت و تبعیت می‌دانند؟ چرا این افراد از همان آغاز در کوفه نماندند؟ این مسائل در هاله‌ای از گزارش‌های پراکنده و مبهم گم‌شده است. در ادامه، ابعاد مسئله بیشتر تبیین و ارزیابی می‌گردد.

به استناد خبر منقروی و دینوری، عبیده و هم‌طرازانش از همان آغاز درباره جنگ با معاویه و حقانیت علی (ع) تردید داشتند. پیشنهاد آنها برای حضور در مرزها و جهاد با کفار این ادعا را تقویت می‌کند. شاید اینان خاطرات فتوح نخستین اسلامی را در سر می‌پروراندند. از این رو اساساً جهاد در دایره مسلمانی برایشان معنایی نداشت. به عقیده این گروه جامعه اسلامی چنانکه در زمان خلفای سلف متحد و یکپارچه بود؛ باید متحد بماند و هر نوع اختلاف و جنگ داخلی سبب برهم زدن جماعت و ظلم و خیانت به شمار می‌رود. اجتهاد آنها درباره نبرد صفین برگرفته از اندیشه سیاسی دستگاه خلافت و سلوک عملی خلفای پیشین بود. عبیده خطاب به علی (ع) عرض کرد: من رأی تو و عمر را با هم می‌پسندم و رأی تو را تنها نمی‌خواهم (مقدسی، [بی‌تا]: ۴۴۳/۱). به نظر ابن سعد مواضع عبیده نسبت به علی (ع) ناشی از تأثیرپذیری او از آراء ابن مسعود و خلفا بوده است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۹۶/۶ و ۲۱۹-۲۲۸). عبیده و همراهانش از احوال کوفیان باخبر بودند اما برای پیروزی سپاه عراق تلاشی نکردند. از طرفی پذیرش شکست عراق در برابر شام ذلت بار می‌نمود؛ لذا هم در کوفه نماندند و هم نسبت به سیاست‌ها و تدابیر علی (ع) دچار تردید و انکار شدند.

علی(ع) در برخورد با عبیده و همراهانش بر اساس مصالح عالیه اسلام و مسلمین و اصل اهم و مهم عمل کرد. مهم‌ترین اولویت حفظ کیان اسلام و مسلمین و رویارویی با معاویه به‌عنوان محور انحراف و دشمن اسلام بود. در این شرایط مجازات و تنبیه این گروه نه تنها به مصلحت نبود که چه بسا لایه‌های پنهان و آشکار مخالفین و جریان‌های واگرا همسو شده و میدان نبرد به داخل سپاه عراق انتقال می‌یافت. امام در پیشنهادشان تأمل کرد و اجازه داد تا به ری و قزوین بروند (منقری، ۱۳۸۲: ۱۱۵؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۱۴۶). درباره همراهی عبیده با این گروه نمی‌توان به روشنی سخن گفت؛ اما چنانکه برخی اخبار نقل می‌کنند برخی از یاران ابن مسعود و قاریان نه با ربیع به مرزها رفتند و نه به کوفه بازگشتند.

به باور ابن ابی الحدید برخورد امام با کسانی چون عبیده سلمانی نشانه «صبر عظیم» و «درنگ عجیب» و «توفیق» آن حضرت است. او برای تبیین این مسئله، دیدگاه متکلمان اهل سنت را متسمک قرار می‌دهد که معتقدند علی(ع) دارای حسن سیاست و صحت تدبیر بود و در نهایت معترضان را چونان بندگان می‌داند که اسیر خیانت و نافرمانی و پستی شده؛ گرچه از مشاهیر و اهل دین هستند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۷۳/۷-۷۴). مطابق این امر مواضع عبیده در برابر امام علی(ع) در نبرد صفین فاقد معیار استدلال و نشانه نافرمانی و کوتاهی گروهی از بزرگان علمی و دینی کوفه از دستورات آن حضرت است و برخورد علی(ع) با این گروه بر اساس اصل حکمرانی مطلوب بود.

مطابق برخی اخبار مربوط به وضعیت سپاه عراق به دست می‌آید بخشی از قاریان و مشاهیر عراق صحنه نبرد را رها نکرده و در سپاه ماندند. اما همانها زمانی که پیروزی عراق بر شامیان مسجل شد؛ در خواست مذاکره با معاویه را داشتند. نصر بن مزاحم می‌نویسد آن زمان که دو سپاه در فرات رزم می‌کردند؛ عبیده سلمانی، علقمه بن قیس نخعی، عبدالله بن عتبه بن مسعود و عامر بن قیس از سپاه عراق جدا شده و به نزد معاویه رفتند تا با او گفتگو کنند. معاویه خود را خونخواه عثمان و علی(ع) را قاتل وی می‌دانست یا می‌گفت علی(ع) عثمان را نکشته ولی به آن فرمان داده و راضی به قتل او بوده است. اگر علی(ع) راست می‌گوید، پس لشکریان و تجهیزات خود را تحویل دهد یا قاتلانش را به ما واگذارد. علی(ع) ادعای معاویه را رد کرد و فرمود اینان قرآن را تأویل کرده و به دنبال تفرقه و جدایی هستند. قاریان را هم از مکر و فریب معاویه و اینکه دینشان را برابرد، بر حذر داشت. سپس فرمان جهاد داد. به نوشته نصر این گروه سه ماه در رفت‌وآمد بودند و بینشان اختلاف بود. نگران این بودند که نبرد ادامه یابد. از هر گونه قتال پرهیز می‌کردند. سرانجام

هم برخی به معاویه پیوسته و گروهی حق را به او دادند (منقری، ۱۳۸۲: ۱۸۸-۱۹۰؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۶۷/۴-۱۷). این‌ها نمایندگان عراق نبودند؛ اما امام از این طریق حجت را بر معاویه و دیگران تمام کرد.

ابن‌کثیر مواضع این گروه را از مهم‌ترین دلایل ایجاد تشویش و اضطراب در سپاه عراق می‌داند (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷: ۲۶۱/۷-۲۵۷). کناره‌گیری عبیده از امام علی (ع) هم جدایی گروهی از یاران ابن‌مسعود و قراء کوفه را در پی داشت و هم با توجه به جایگاهش نزد بنی‌مراد کوفه، زمینه اضطراب و تشویش خاطر رجال این قبیله را فراهم کرد (منقری، ۱۳۸۲: ۵۱۲). در این شرایط بود که فتنه اشعث بن قیس در سپاه عراق اثر کرد. به نوشته دینوری اشعث آنها را به پرهیز از نبرد و پذیرش حکمیت بر می‌انگیخت (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۹۷). در نتیجه عبدالرحمن بن ملجم مرادی و برخی دیگر از رجال مرادی، به نشانه اعتراض راهی کوفه شدند (همان). مطابق این امر و گزارش‌های نسبتاً دقیق منقری می‌توان دریافت در تفرقه سپاه عراق و ناسرانجامی نبرد صفین؛ سه جریان قاریان، یاران ابن‌مسعود و مخالفان علی (ع) نقش داشتند (منقری، ۱۳۸۲: ۱۱۵). دو گروه اول با توجیه تفکر دینی و تبعیت از سلوک پیشینیان مسئله نبرد امام با معاویه را جایز نمی‌دانستند.

۶. ارزیابی اخبار مربوط به گرایش‌های شیعی عبیده

برخی نویسندگان اهل سنت مانند ابن‌ابی‌داوود (سجستانی، ۱۴۰۳: ۱۱۷/۱)؛ بلاذری (بلاذری، ۱۳۹۴: ۱۷۷/۲-۱۷۶) و نویسندگان شیعی مانند کلینی (کلینی، ۱۳۸۲: ۹۶۷)؛ شیخ طوسی (برقی، ۱۳۴۲: ۷؛ طوسی، ۱۴۱۵: ۷۱) و دیگران (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۱۲/۲۵۳؛ نووی، [بی‌تا]: ۳۱۷/۱) بر این باورند که عبیده از اصحاب امام علی (ع) بود و گرایش شیعی داشت. شارح‌الکافی در شرح حدیثی درباره فضایل علی (ع) می‌نویسد: «وکان من اولیاء علی (علیه‌السلام) و خواص أصحابه وهو مذکور فی طرق العامه أیضا» (کلینی، ۱۳۸۲: ۹۶۷). مرحوم خوئی با استناد به رجال شیخ و برقی و طرق روایات کامل‌الزیارات؛ او را از اصحاب امام علی (ع) می‌داند (خوئی، ۱۳۶۹: ۱۰۴/۱۲). بنا به نظر ابن‌ابی‌الحدید، عبیده در زمره بزرگان تابعان است که به تفضیل امام علی (ع) بر دیگران اعتقاد داشت (ابن‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۲۶/۲۰). در ارزیابی این اخبار بیان چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

- پیروان ابن‌مسعود در پیشامدهای مختلف بر اساس نظر شیخین (ترمذی، ۱۹۹۸: ۶۴/۶) یا جمع میان رأی ابن‌مسعود و عمر بودند (ابن‌حزم، [بی‌تا]: ۷۹۷/۶). یاران

ابن مسعود، گرچه احادیثی که از امام علی(ع) استماع یا روایت می‌کردند، ثقه می‌دانستند(ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۹۰/۷)؛ اما در مسائل متعدد فقهی میان رأی آنها و علی(ع) تعارض وجود داشت(طوسی، تهذیب، ۱۳۶۵: ۲۵۹/۹) یا قایل به جمع رأی ابن مسعود و علی(ع) بودند(ابن حجر، ۱۴۱۵: ۵۹/۱).

خبر ابن ابی الحدید این مسئله را کمی روشن می‌کند. پس از آنکه خطبه امام پایان یافت، عبیده بلند شد و گفت رأی شما اگر مطابق رأی جماعت باشد برای ما محبوب‌تر است. سپس ادامه داد عدول شما از نظر پیشینیان دو دلیل دارد یا به خاطر آن است که در مصدر حکومت، قدرت بر انجام هر کاری قدرت دارید یا به علت ضعف و سستی در حکومت است. آیا مصلحت و حکمت نیست که در این زمان سکوت کنید و نظر خود را بیان نکنید. سپس به تشریح آراء عمر پرداخت (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۷۰/۷-۷۴).

- منابع اسلامی درباره مواضع عبیده نسبت به بیعت علی(ع) و خلافت آن حضرت سکوت کردند. عبیده اگر چه در برخی امور مربوط به دوران خلافت امام علی(ع) مشارکت داشت؛ اما این برای طرح صحابی بودن وی کافی نیست. آیا چنانکه برقی آورده معیار صحابی بودن عبیده آن است که در نبرد صفین حضورداشت(برقی، ۱۳۴۲: ۷). در این صورت عبیده پیش از آنکه از اصحاب علی(ع) باشد؛ در زمره اصحاب شیخین قرار دارد و ارجح آن است که از اصحاب ابن مسعود به شمار آید. از سویی قرار دادن معیار هم عصری و مشارکت برای صحابی بودن کافی نیست چراکه بسیاری کسان هستند که باید آنها در زمره اصحاب علی(ع) به شمار آورد مانند زحر بن قیس جعفی (طبری، ۱۳۸۷: ۶۸/۵-۶۷)، صالح بن شقیق مرادی(دینوری، ۱۳۶۸: ۱۹۷) و احنف بن قیس تمیمی (بلاذری، ۱۴۱۶: ۲۰۵/۲). لذا مناسب‌تر است که به همین اکتفا کنیم که از کارگزاران آن حضرت است.

- با توجه به مقتضیات زمانه و سیاست‌های اصلاحی و تدابیری که علی(ع) برای بهره‌مندی از مشارکت عمومی بکار برد، نیز عدم کفایت یاران و نیروهای کارآزموده همسو برای اداره جامعه و تنوع مسئولیت‌های حکومتی بهتر است به این نتیجه برسیم که بکارگماری افرادی چون عبیده از جانب آن حضرت دلیل بر تشیع این گروه نیست. در این صورت باید زیاد بن ابیه، ابوموسی اشعری و خریث بن راشد را هم در زمره شیعیان به شمار آورد.

- تنوع مسئولیتها و سرعت جابجایی عیبده بیانگر آن است که از موقعیت علمی، اجتماعی و سوابق اجرایی برخوردار بود؛ اما گرایشهای فکری و جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی وی، او را از شیعیان جدا می‌کند.
- ابن‌اثیر می‌نویسد: «صحب عبد الله بن مسعود، ثمَّ صحب علیاً وروی عنهُما» (ابن‌اثیر، الف [بی‌تا]: ۴۴۸/۳؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۵: ۱۰۲۳/۳). از این تعبیر استنباط می‌شود که عیبده با علی (ع) دیدارهایی داشت و نمی‌توان تعبیر صحابه یا اصحاب را از آن دریافت کرد. صحابه چنانکه ابن‌عبدالبر آورده عبارت است از: «کسی که پیامبر (ص) را درحالی که مسلمان است ملاقات کند و مسلمان بمیرد» (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۵: ۱۰/۱). اگر این تعریف را به اصحاب امامان معصوم (ع) تسری دهیم؛ معلوم میشود عیبده همسو با علی (ع) نبود و مجالست و موانستی بین عیبده و کسانی که مشتبه به هواداری از اهل بیت (ع) بودند وجود نداشت. اما از سویی باید عیبده را از اصحاب ابن‌مسعود به شمار آورد. آراء و مواضع وی با ابن‌مسعود (ذهبی، ۱۴۱۴: ۴۸۲/۵-۴۸۳/۵؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۴۰/۱-۴۱) و یاران ابن‌مسعود مطابقت بیشتری دارد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱۳۷/۶ و ۹۰ و...).
- قراین تاریخی دیگری وجود دارد که بر اساس آن نمی‌توان عیبده را در سلک هواداران اهل بیت (ع) یا حتی شیعه اعتدالی یا عراقی قرار داد. در گزارش‌های مربوط به فعالیت شیعیان در عراق نامی از عیبده دیده نمی‌شود. تنها ابن‌اثیر می‌نویسد عیبده به همراه گروهی از بزرگان کوفه با مختار دیداری داشت (ابن‌اثیر، الف [بی‌تا]: ۴۴۸/۳؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۵: ۱۰۲۳/۳)؛ اما در نهایت او را کذاب خواند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱۵۴/۶).
- دو قرینه دیگر وجود دارد که می‌تواند تردید نسبت شیعی به عیبده را مرتفع سازد. نخست آنکه وی در این زمان از جانب امویان مقام قضاوت کوفه را برعهده داشت (یعقوبی، بی‌تا: ۲۴۰/۲). سلوک عیبده در قضاوت چنانکه ابن‌کثیر تصریح می‌کند همانند شریح بن حارث کندی بوده است (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷: ۶۲/۸-۳۶۱). شریح در زمره اصحاب ابن‌مسعود بود و مطابق نظر او افتاء و حکم می‌داد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱۳۷/۶). در این صورت آراء و مواضع عیبده همسو با شیعه نبوده است.
- نکته آخر آنکه برخی مواضع عیبده بن‌عمر و کندی و عیبده سلمانی را در جریان حوادث کربلا خلط کرده و این دو را یکی دانسته‌اند (۱۳۹۸/۷/۱، ۴۳۰۲۴). این در

حالی است که عبیده کندی شاعر و دارای گرایش‌های شیعی بود و با مختار هم بیعت کرد (ابن سعد، ۱۴۱۴: ۵۱۶/۱؛ طبری، بی‌تا: ۲۶۱/۵-۲۶۲؛ عسکری، ۱۴۰۲: ۷۷۱/۲).

۷. نتیجه‌گیری

فهم روابط، ابعاد و زمینه‌های مؤثر در نبرد صفین و فرجام آن سوالی کلیدی را برای محقق مطرح نمود. اینکه رویکردهای اجتماعی و سیاسی شخصیت‌های مشهوری مانند عبیده سلمانی تا چه حد با گرایشهای عقیدتی و اندیشه دینی آنها سازگار و همسو بود، این ارتباط چگونه است و چه تأثیری در تحولات تاریخی دارد؟ و در نهایت اخبار و داده‌های موجود تا چه حد قابل استناد است و ما را در پاسخ به این مسائل یاری می‌رساند؟

۱. تعارض سندی و ناهمگونی اخبار و گزارش‌های منابع اسلامی، تغافل برخی منابع در ارزیابی اسناد و تفاوت معیارهای گزینش خبر مانع آن شده تا روایت پیوسته و روشنی از شخصیت عبیده، مناسبات سیاسی و اجتماعی، مواضع او در نبرد صفین و ابعاد آن ارائه گردد. از سویی تعیین دقیق مواضع افراد به دلیل غلبه تعصبات قومی و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی در پرده‌ای از ابهام تاریخی قرار دارد. با در نظر گرفتن این مسائل، تحقیق پیش رو به تبیین و توصیف ابعاد شخصیت تاریخی عبیده و ارزیابی اسناد و گزارش‌های موجود پرداخت.

۲. بر مبنای تحقیق روشن می‌گردد؛ خاستگاه اجتماعی، فرهنگی و تاریخی افراد، موقعیت جغرافیایی عراق، رویکردهای متفاوت صحابه و تابعان نسبت به فهم آموزه‌های دینی و کاربست آن؛ سبب بروز دگرگونی‌های صدر اسلام شد. عبیده بن عمرو سلمانی از اشراف قبیله‌ای کوفه است که با مصاحبت و همنشینی با برخی صحابه مانند عبدالله بن مسعود و تعامل با محافل علمی کوفه در جرگه صاحب نظران حوزه اندیشه دینی و رجال سیاسی و مذهبی عراق قرار گرفت. مناسبات او با دستگاه خلافت و مواضع قابل توجه او در جریانات تاریخی و مبانی اندیشه او در این زمینه حائز اهمیت است. عبیده به خلاف برخی از شخصیت‌های تاریخی معاصرش دارای اندیشه و عمل متفاوتی است که در تعامل با سنتهای علمی و اصول استنباط احکام و مسائل دینی و تغییرات اجتماعی شکل گرفت. او مرجعیت صحابه را پذیرفت و بر اساس اصل اجتهاد قیاسی عمل کرد.

۳. نسبت میان برخی عناوین و القاب فضیلت‌گرا با شخصیت عبیده عبیده مبهم و دارای تعارض است؛ اما به واقع قراین و شواهد متعدد درباره شخصیت، آراء و مواضع عبیده احتمال پذیرش این فرضیه که او گرایش‌های شیعی داشته یا در زمره صحابه و خواص امام علی(ع) است را رد می‌کند.

۴. مواضع و ایستارهای عبیده در صفین و کناره‌گیری او از امام علی(ع) از مسائل اصلی این تحقیق است. مواضع عبیده در نبرد صفین در نبرد با معاویه، رویارویی با علی(ع) و فرجام نبرد با دیدگاه گروهی از رجال دینی و سیاسی کوفه مانند قراء، اصحاب ابن مسعود و اشراف قبیله‌ای همگرایی و همسویی داشت. او قائل به جواز حکم جهاد با معاویه نبود، جهاد را منحصر به قتال با کفار می‌دانست و درباره حقانیت علی(ع) در برابر معاویه تردید داشت. این رویکرد ظاهراً صبغه دینی داشت و از پشتوانه برخی صحابه و جواز شریعت برخوردار بود.

۵. مواضع عبیده در نبرد صفین هم جدایی گروهی از یاران ابن مسعود و قراء کوفه را در پی داشت و هم با توجه به جایگاه عبیده به عنوان ریاست قبیله‌ای بنی‌مراد کوفه، زمینه اضطراب و تشویش خاطر قبیله مراد را فراهم کرد. بر این اساس سه جریان قاریان، یاران ابن مسعود و مخالفان علی(ع) در تفرقه سپاه عراق و ناسرانجامی نبرد صفین نقش داشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. معدودی از منابع فقط به عنوان «عبیده سلمانی» بسنده نمودند (ابن اثیر، [بی‌تا]: ۵۹۶/۳؛ قمی، ۱۳۶۱: ۲۹۴؛ ابن عماد، ۱۴۰۶: ۳۰۴/۱). متون متأخرتر تعبیر سلمانی را از نام عبیده حذف و عبارت مرادی را آوردند (ابن قنفذ، ۱۴۰۳: ۹۷/۱).
۲. «عبیده و هو بفتح أوله» (ابن حجر، ب [بی‌تا]: ۱۹۹/۱)
۳. به عنوان مثال رأی عبیده درباره مقدار دیه بر اساس رأی عمر بن خطاب بود. همانند این رأی را ابوحنیفه، ابویوسف و شافعی داشتند (سمرقندی، ۱۴۰۵: ۱۰۷/۳-۱۰۵). به نوشته ذهبی، انس بن مالک به عبیده تمایل داشت (ذهبی، ۱۴۲۷: ۸/۵-۹).
۴. ابن مسعود هم کمتر حدیث می‌گفت و چنانچه از رسول الله (ص) یاد می‌شد، دگرگون می‌شد و می‌گفت امیدوارم نزدیک به این گفتار باشد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۱۶/۳).
۵. علاوه بر کوفیان و بصریان (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۷۲/۵۳)؛ افراد بسیاری از عبیده روایت می‌کنند مانند: ابراهیم بن یزید نخعی (بخاری، ۱۳۸۴: ۸۳/۶)، محمد بن سیرین (مسلم نیشابوری، ۱۴۰۴:

۷۸۵/۲؛ ابونصر بخاری، ۱۴۰۷: ۵۰۴/۲-۵۰۵)، عبدالله بن سَلمه مرادی، ابواسحاق سیبسی، ابوحسان اعرج (ذهبی، ۱۴۲۷: ۷/۵؛ ذهبی، ۱۴۱۴: ۲۸۶/۵-۲۸۷)، عامر شعبی و دیگران (مزی، ۱۴۰۰: ۲۶۵-۲۶۸). بخاری از زنی به نام ربیعیه بنت عیاض مرادی هم نام می‌برد (بخاری، ۱۳۸۴: ۴۴۰/۵).

۶. عبدالله بن مسعود هذلی (م ۳۲ق) صحابه مشهور رسول الله (ص) (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۱۷/۳-۱۱۵)، در قرائت و علم السنه و فقه مشهور است (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۱۶۶/۱؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۹۹۲/۳-۹۹۳). از عمر بن خطاب، سعد بن معاذ و معاذ بن جبل و دیگران نقل حدیث می‌کند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۹۹۴/۳). به دستور عمر از حمص به کوفه آمد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸۷-۸۸/۳) و در مدینه رحلت نمود (طبری، ۱۳۸۷: ۳۰۸/۴). ابن حجر، او را مؤسس مدرسه کوفه می‌داند (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۵۷/۱-۵۸).

۷. ابن حجر معتقد است کسانی که در این گروه قرار داشتند، به احادیث اندک و خاطرات صحابه سرسپرده و کردارشان همانند آن‌ها بود (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۶۰/۱-۵۹).

۸. ابن سعد از ابن مسعود نقل می‌کند: «اگر علم همه عرب در یک کفه و علم عمر در کفه‌ای دیگر باشد؛ علم عمر بر آنها برتری دارد» (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۵۶/۲).

۹. ابن حزم توضیح بیشتری گرایش این گروه به اجتهاد می‌دهد که بسیار ظریف و همسو با ادعای ما است. او می‌نویسد: «.. درباره مسائل دین گفتگو می‌کردند و مردم از ایشان درخواست فتوا و قضاوت می‌کردند. این در حالی است که صحابه نزدشان حاضر بودند و به آنان رخصت چنین کاری را می‌دادند» (ابن حزم، [بی تا]: ۶۷۱/۵-۶۷۲).

۱۰. بنا به اظهار ابن مسعود، هنگامی که نصی در کتاب و سنت وجود ندارد؛ باید حدس و قیاس را بکار برد (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۵۷/۱).

۱۱. مهمترین مسئله در این زمینه تمایز آراء فقهی عمار با شیخین و قرابت آراء عبدالله بن مسعود با شیخین بود (احمد بن حنبل، [بی تا]: ۱۰۹/۱ و ۴۵۹؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۶۷/۱-۱۶۵؛ الحاکم نیشابوری، ۱۴۰۶: ۱۳۹/۱). بر اساس گزارش روایی سجستانی و دیگر منابع عامه، عمار بر سر امور بیت المال، سهم کارگزاران حکومتی و اجرای احکام دینی با ابن مسعود مشاجراتی داشت (به عنوان نمونه: سجستانی، ۱۴۰۳: ۲۸۵/۲؛ نسائی، ۱۳۴۸: ۹۷/۱؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۸۷-۸۸/۱).

۱۲. عبیده با برخی از بزرگان کوفه موانست و مصاحبت داشت که از قضا او را در نبرد صفین هم همراهی می‌کردند. از این نمونه می‌توان از ربیع بن خثیم ثوری، علقمه بن قیس نخعی، حارث بن قیس الأعور و أسود بن یزید نخعی نام برد. منابع سیره و طبقات، عبیده (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۴۲/۶) و این گروه را در زمره یاران ابن مسعود برشمردند (به ترتیب از ربیع: ابن سعد، ۱۴۱۰: ۹۰/۶ و ۱۳۷؛ ابن حبان، ۱۴۹/۶-۱۵۰؛ ابن حجر، ۱۴۱۵: ۵۸/۱).

کتاب‌نامه

- ابن أعمش (١٤١١ق). *الفتوح*، تحقيق على شيرى، ج ٢، بيروت: دار الأضواء
- ابن حجر (١٤١٥ق). *الإصابة في تمييز الصحابه*، تحقيق عادل احمد عبدالموجود و على محمد معوض، ج ١-٧-٦، بيروت: دارالكتب العلميه
- ابن حزم [بى تا]. *الإحكام فى الأصول الأحكام*، تحقيق احمدشاکر، ج ٦-٥-٨، [بى جا]: نشر زکریا على يوسف
- ابن سعد، محمد (١٤١٤ق). *الطبقات الكبرى*، ج ١ و ٢، تحقيق محمد بن صامل السلمى، الطائف: المكتبة الصديق
- ابن شبه، عمر (١٤١٠ق). *تاريخ المدينه المنوره*، تحقيق فهم محمد شلتوت، ج ٢، ط. الثانية، قم: دارالفکر
- ابن قتيبه (١٩٩٢ق). *المعارف*، تحقيق ثروت عكاشه، ط. الثانية، القاهرة: الهيئه المصريه
- ابن ماکولا (١٤١١ق). *الاکمال فى رفع الارتياب عن المؤلف والمختلف فى الاسماء والکنى والانساب*، ج ٦، بيروت: دار الكتب العلميه
- ابن ابى الحديد (١٤٠٤ق). *شرح نهج البلاغه*، محمد ابو الفضل ابراهيم، ج ٣-٤-٧، قم: مكتبه المرعشى النجفى
- ابن أبى خيثمه (١٤٢٧ق). *التاريخ الكبير*، تحقيق صلاح بن فتحى هلال، القاهرة: الفاروق الحديثه
- ابن اثير، عز الدين على (١٣٨٥ق). *الکامل فى التاريخ*، ج ٣-١٢، بيروت: دار صادر
- ابن اثير، عز الدين على [بى تا]. *اسد الغابه فى معرفه الصحابه*، ج ٣، بيروت: دار الكتب العلميه
- ابن اثير، عز الدين على [بى تا]. *اللباب فى تهذيب الأنساب*، ج ١-٢، بيروت: دار صادر
- ابن الجزرى، محمد بن محمد (١٣٥١ق). *غايه النهايه فى طبقات القراء*، ج ١، برجستراسر: مكتبه ابن تيميه
- ابن بادش، احمد بن على [بى تا]. *الإقناع فى القراءات السبع*، ج ١، [بى جا]: دار الصحابه
- ابن حبان، محمد (١٣٩٣ق). *الثقات*، ج ٢، حيدرآباد دکن: مؤسسه الكتب الثقافه
- ابن حبان، محمد (١٤١١ق). *مشاهير علماء الأمصار وأعلام فقهاء الأقطار*، تحقيق مرزوق على ابراهيم، ج ١، المنصوره: دار الوفاء
- ابن حجر، احمد بن على [بى تا]. *العجاب فى بيان الأسباب*، تحقيق عبد الحكيم محمد الأنيس، ج ١، دار ابن الجوزى
- ابن حجر، احمد بن على [بى تا]. *تبصير المنتبه بتحرير المشنبه*، تحقيق: محمد على النجار، ج ٣-١، بيروت: المكتبه العلميه
- ابن سعد، محمد (١٤١٠ق). *الطبقات الكبرى*، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، ج ١-٣-٦، بيروت: دارالكتب العلميه
- ابن عبدالبر قرطبي (١٤١٥ق). *الاستيعاب فى معرفه الصحابه*، ج ١-٣، بيروت: دارالكتب العلميه

- ابن عساکر (۱۴۱۵ق). تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، ج ۵۳-۷، بیروت: دارالفکر
- ابن عماد حنبلی (۱۴۰۶ق). *شذرات الذهب*، تحقیق الارناؤوط، ج ۱، دمشق، بیروت: دار ابن کثیر
- ابن قنفذ، احمد بن حسن (۱۴۰۳ق). *الوفیات (معجم زمنی للصحابه وأعلام المحاثین والفقهاء والمؤلفین)*، تحقیق عادل نویهض، ج ۱، ط.الرابعه، بیروت: دار الآفاق الجدیده
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق). *البدایه والنهایه*، ج ۷-۸، بیروت: دارالفکر
- ابن هشام (۱۳۵۵ق). *السيره النبویه*، تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الیاری، عبدالحفیظ شبلی، ج ۴، تهران: انتشارات ایران
- ابو اسحاق الشیرازی، ابراهیم (۱۹۷۰م). *طبقات الفقهاء* تحقیق إحسان عباس، ج ۱، بیروت: دار الرائد العربی
- ابو عبید، قاسم بن سلام (۱۴۱۰ق). *النسب*، تحقیق ودراسه مریم خیر الدرع و تقدیم سهیل زکار، بیروت: دارالفکر
- ابونصر البخاری، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق). *الهدایه والإرشاد فی معرفه أهل التمه والسادات*، تحقیق عبدالله اللیثی، ج ۲، بیروت: دار المعرفه
- أحمد بن حنبل، [یتا]. *مسند احمد*، ج ۱، بیروت: دار صادر
- اریلی، علی بن عیسی (۱۴۲۱ق). *کشف الغمه فی معرفه الأئمه*، ج ۱، قم: منشورات الشریف الرضی
- بحرانی، هاشم (۱۴۱۳ق). *مدینه معاجز*، ج ۲، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق). *صحیح البخاری*، ج ۱، بیروت: دارالفکر
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۸۴ق). *التاریخ الكبير*، ج ۵-۶، حیدر آباد دکن: دائره المعارف العثمانیه
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۴۲ش). *رجال البرقی*، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق). *أنساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار ریاض زرکلی، ج ۲، بیروت: دارالفکر
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸ق). *فتوح البلدان*، بإشراف لجنه تحقیق التراث، ج ۲، بیروت: دارالمکتبه الهلال
- بیات، یوسف، پرویز رستگار، عزیز، حسین (۱۳۸۰ش). *راویان مشترک: پژوهشی در بازشناسی راویان مشترک شیعه و اهل سنت*، ج ۱، قم: بوستان کتاب
- پور اسماعیل، احسان (۱۳۹۵ش). «ارزیابی شخصیت و عملکرد عبدالله بن مسعود»، پژوهش نامه قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱۸
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۱۳ق). *الشمائل المحمدیه والخصائل المصطفویه*، تحقیق سید بن عباس الجلبمی، مکه المکرمه: نشر مصطفی احمد الباز
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۹۹۸م). *الجامع الكبير*، تحقیق بشار عواد معروف، ج ۴-۵-۶، بیروت: دار الغرب الإسلامی
- جناتی، محمد ابراهیم (۱۳۷۲ش). *ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی*، ج ۱، تهران: مؤسسه کیهان

- حجری، محمد (۱۴۱۶ق). *مجموع البلدان یمن و قبائلها*، تحقیق و تصحیح و مراجعه اسماعیل بن علی الأکوع، ج ۲، [بی جا]: دارالحکمه الیماینه، ط.الثانیه
- الحکام نیشابوری، محمد (۱۴۰۶). *المستدرک*، ج ۱، بیروت: دار المعرفه
- خطیب البغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق). *تاریخ بغداد*، دراسه و تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۱-۱۱-۱۲، بیروت: دار الکتب العلمیه
- خطیب البغدادی، احمد بن علی (۱۹۸۵م). *تلخیص المتشابه فی الرسم*، تحقیق: سؤینه الشهایی، ج ۱، دمشق: طلاس
- خلیفه بن خیاط (۱۴۱۴ق). *کتاب الطبقات*، حقه سهیل زکار، بیروت: دارالفکر، بیروت
- الخوئی، ابوالقاسم (۱۳۶۹ش). *معجم رجال الحدیث*، ج ۱۲، قم: مؤسسه الخوئی الإسلامیه
- دارقطنی، علی بن عمر (۱۴۰۶ق). *المؤتلف والمختلف*، تحقیق موفق بن عبد الله بن عبد القادر، ج ۳، بیروت: دار الغرب الإسلامی
- دارقطنی، علی بن عمر (۱۴۰۶ق). *ذکر أسماء التابعین ومن بعدهم ممن صحت روايته عن الثقات عند البخاری ومسلم*، تحقیق بوران الضناوی / کمال یوسف الحوت، ج ۱-۲، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه
- دینوری، ابو حنیفه (۱۳۶۸ش/۱۹۶۰م). *اخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم: منشورات الرضی
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ق). *تذکره الحفاظ*، ج ۱، مکتبه الحرم المکی: داراحیاء التراث العربی
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۴ق). *تاریخ اسلام و وفیات المشاهیر والاعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، ج ۵-۶. ط.الثانیه، بیروت: دارالکتب العربی
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۲۷ق). *سیر اعلام النبلاء*، ج ۵، قاهره: دار الحدیث
- رافعی، عبد الکریم بن محمد [بی تا]. *التدوین فی اخبار قزوین*، تحقیق عزیزالله، عطاردی، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون
- زبیدی، مرتضی حسینی [بی تا]. *تاج العروس من جواهر القاموس*، ج ۳-۲۴، بیروت: المکتبه الحیاه
- سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۰۳ق). *سؤالات أبی عیبید الأجرى أبی داود السجستانی فی الجرح والتعدیل*، تحقیق محمد علی قاسم العمری (۱۴۰۳ق)، ج ۱-۲-۳، المدینه المنوره: عماده البحث العلمی بالجامعه الإسلامیه
- سخاوی، شمس الدین محمد [بی تا]. *الأعلان بالتوئیخ لمن ذم أهل التاريخ*، تصحیح روزنتال و صالح احمد العلی، بیروت: دارالکتب العلمیه
- اصغر محمود آبادی و مریم سعیدیان جزی (۱۳۹۰ش). «بررسی نقش قبیله مراد در تاریخ اسلام و تشیع تا پایان امویان»، *فصلنامه شیعه شناسی*، تابستان ۱۳۹۰ش، شماره ۳۴
- سمرقندی، علاء الدین محمد (۱۴۰۵ق). *تحفه الفقهاء*، بیروت: دار الکتب العلمیه

سمعانی، عبدالکریم (۱۴۰۸ق). *الانساب*، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی، ج ۷، حیدرآباد: مجله دایره المعارف العثمانیه

شهابی، محمود (۱۳۸۷ش). *ادوار فقه*، ج ۳، چاپ ششم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

طبری، محمد (۱۳۸۷ق). *تاریخ الأمم و الملوک*، ج ۴، ط. الثانية، بیروت: دارالتراث

(شیخ) طوسی، محمد (۱۴۱۵ق). *الرجال*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی

عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۲ق). *تصحیفات المحدثین*، محمود احمد میره، ج ۲، قاهره: العربیه الحدیثه

العینی، محمود بن احمد (۱۴۲۷ق). *معانی الأخیار فی شرح أسامی رجال معانی الآثار*، تحقیق محمد حسن محمد حسن إسماعیل، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیه

فاضل جواد، ابن سعد کاظمی (۱۳۸۹ش). *مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام*، ج ۱، تهران: انتشارات مرتضوی

قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱ش). *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن علی قمی، تصحیح جلال الدین تهرانی، تهران: توس

کلبی، هشام بن محمد [بی تا]. *جمهره النسب*، تحقیق محمود فردوس العظم، دمشق: دار الیقظة العربیه کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی الأصول والروضه*، مع شرح الکافی الجامع للمولی محمد صالح المازندرانی، ج ۷، ضبط و تصحیح السید علی عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی

المبرد، محمد (۱۴۲۰ق). *المقتضب*، تحقیق حسن حمد، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹ش). *موسوعه الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام*، ج ۱۳، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

المزی، یوسف بن عبدالرحمن (۱۴۰۰ق). *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسه الرساله

مسلم بن الحجاج النیسابوری (۱۴۰۴ق). *الکنی والأسماء*، تحقیق عبد الرحیم محمد احمد القشقری، ج ۲، المدینه المنوره: الجامعه الإسلامیه

معرفت، محمد هادی (۱۳۷۹ش). *تفسیر و مفسران*، ج ۱، قم: التمهید مفتخری، حسین، کوچکی، فرشته (۱۳۸۰ش). «*قرأء و نقش ایشان در تحولات قرن اول هجری*»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، ۱۳۸۰، شماره ۲۲

(شیخ) مفید، محمد (۱۹۶۰م). *الارشاد*، ج ۲، قم: آل البيت

(شیخ) مفید، محمد [بی تا]. *الاختصاص*، علی اکبر غفاری، قم: جامعه المدرسین فی للحوزه العلمیه

مقدسی، محمد (۱۴۱۱ق). *أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم*، ج ۱، [بی جا]: مکتبه مدبولی

مقدسی، مطهر [بی تا]. *البدء و التاریخ*، تحقیق پورسعید، ج ۳-۲، [بی جا]: مکتبه الثقافه الدینیه

منقری، نصرین مزاحم (۱۳۸۲ش). وقعه صفین، عبدالسلام محمد هارون، الحدیث: مؤسسه العربیه، ط.الثانیه

نسائی، احمد بن شعیب (۱۳۴۸ه). سنن النسائی، ج ۱، بیروت: دار الفکر
نظارتی زاده، احمد، جدیدی، ناصر (۱۳۹۶ش). «تأثیر جریان فکری عبدالله بن مسعود و شاگردانش بر
حوادث قرن اول قمری در کوفه»، پژوهش‌های تاریخی، تابستان ۱۳۹۶، دوره ۹، شماره ۲، شماره
پیاپی ۳۴

النووی، محیی‌الدین یحیی [بی تا]. تهذیب الأسماء واللغات، تحقیق شرکه العلماء، ج ۱، بیروت: دار
الکتب العلمیه
همدانی، حسن (۱۴۰۸ق). الاکلیل من اخبار الیمن و انساب حمیر (کتاب العاشر)، بیروت: دار الیمینیه،
ط.الثانیه

یعقوبی، ابن واضح [بی تا]. تاریخ، ج ۱-۲، قم: مؤسسه النشر و فرهنگ اهل بیت (ع)
<https://www.porseman.com/article/43024>، «مختار قبل از قیام»، ۱۳۹۸/۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی